

تخلفات آمریکا از معاهدات بین المللی با نظر به بیانیه گام دوم

علی رشیدی احمدآبادی^۱

^۱ طلبه پایه سوم حوزه

چکیده

ایالات متحده آمریکا در طول تاریخ در بسیاری از معاهدات بین المللی عضو اصلی مذاکره کننده و تدوین کننده بوده است ولی از بسیاری از آن ها تخلف کرده یا از آن ها خارج شده است. در این مقاله یک معاهده داخلی و چندین معاهده بین المللی که این کشور بعد از امضاء آن را نقض کرده یا از آن ها خارج شده، مورد بررسی قرار گرفته است. این دیدگاه همیشه در کشور ایران وجود داشته که میتوان با مذاکره با آمریکا و اعتماد به وعده هایش مشکلات اقتصادی کشور را حل کرد و همچنین این تفکر هم همیشه بوده است که مگر میشود یک کشوری که ادعای همیشگی حمایت از قوانین سازمان ملل است از معاهدات بزرگ و چند جانبه بین المللی و حتی در معاهدات داخلی خودش تخلف داشته باشد؟ در این مقاله روشن میشود که عملکرد آمریکا در معاهدات بزرگ بین المللی و معاهداتی که خود امضا کرده چگونه بوده است. روشن میشود که هدف آمریکا از معاهدات بین المللی به کشور های مختلف چه بوده است.

واژه های کلیدی: معاهده، سازمان ملل، تخلف، آمریکا، ایران، سلطه گری، برجام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

معاهدات بین‌المللی برای کشورهای مختلف الزاماتی دارد و از لحاظ قانونی کشوری نمیتواند یکطرفه آن‌ها را نقض کند و از نظر دین مبین اسلام نیز عهدشکنی کاری بسیار قبیح است.

ایالت متحده آمریکا کشوری با قدمتی نچندان زیاد است که دیدی استکباری و سلطه‌خواهی بر جهان دارد. این کشور در اکثر قریب به اتفاق معاهدات بین‌المللی شرکت داشته، آن‌ها را امضا کرده و دیگر کشورهای جهان را به پذیرفتن آن معاهدات ترغیب کرده است ولی عملکرد خودش در آن معاهدات قابل تامل است. آمریکا در اکثر موارد یا آن‌ها را کامل اجرا نکرده یا از آن‌ها خارج شده است؛ اما دلیل ای کار چیست؟ پاسخ ساده است؛ روحیه استکباری و سلطه‌خواهی بر جهان است. و این باعث شده است که آمریکا تمام کشورهای جهان و منابع جهان را تنها برای خورد ببیند؛ حتی به قیمت رنج میلیون‌ها انسان.

قبل از انقلاب اسلامی دخالت مستقیم و غیر مستقیم بیگانگان و از جمله آمریکا در کشور ایران بسیار زیاد بوده است و بسهولت از منابع ایران استفاده می‌کردند و در امور سیاسی ایران دخالت میکردند. آنها مردم ایران را در فقر و ذلت قرار میدادند تا مبادا روزی به خاطر هوشیار و قوی شوند مردم دست آن‌ها از منابع و موقعیت ایران کوتاه شود.

بعضی از افراد با بصیرت و مخصوصاً امام خمینی (ره) این واقعیت را به خوبی درک کرده بودند و بعد از انقلاب اسلامی ایران، دست مستقیم بیگانگان و مخصوصاً آمریکا از کشور ایران کوتاه شد. البته آمریکا با حمایت نظامی از دشمنان ایران و تحریم‌های ظالمانه‌ی پی‌پی‌بی به زانو در آوردن استقلال ایران شد.

ترس آمریکا از گسترش اسلام ناب که همان اسلام سیاسی هست یک واقعیت است، زیرا سلطه بین‌المللی قدرت‌های بزرگ و مخصوصاً آمریکا در گرو بی‌بصیرتی و رضایت به خواری مردم جهان است و اسلام ناب در نقطه مقابل یعنی بصیرت و عدم ذلت‌پذیری تا پای جان است. از سویی آمریکا در سلطه‌گری نگاه ویژه‌ای به سرزمین‌های دارای منابع زیاد دارد. تازه روشن میشود که چرا چالش ایران و آمریکا همیشگی خواهد بود و پایان نخواهد پذیرفت. روشن است که با این دیدگاه تصور اینکه اگر ما به پای میزه مذاکره برویم از برخی از منافع و مواضع خود بگذریم تا با آمریکا روابط دوستانه‌ای داشته باشیم و منجر به حل مشکلات اقتصادی و پیشرفت کشور شود، اشتباه است چون تا زمانی که ما پرچم اسلام و استقلال را در دست داریم، آمریکا هرگز دوست ما نخواهد شد؛ مگر برای فریب و این تفکر سازش با آمریکا یکی از عوامل مهم رها شدن پتانسیل داخلی است.

برای بصیرت افزایی بسیار خوب است که عهد شکنی و تخلفات امریکا در معاهدات بین المللی و معاهداتی که خود از اعضای اصلی آن بوده و آن ها را به امضا رساندن بررسی و بازگو شود.

این مقاله با در نظر گرفتن ضرورت بصیرت افزادی و نشان دادن اشتباه فاحش رها کردن ظرفیت داخل در پی اعتماد به امریکا، تدوین شده است. این مقاله در ابتدا به تعریف مفاهیم کلیدی و بیان التزامات معاهدات بین المللی از نگاه قانونین بشری و دستورات دینی پرداخته است. بررسی ۱۰ مورد از تخلفات امریکا در معاهدات بعد از بررسی ضرورت بحث و هدف امریکا از شرکت و تخلف در معاهدات در این مقاله آورده شده است.

۰۱- مفهوم معاهده و تخلف از آن:

معنای عهد نوعی التزام به انجام کاری یا همان گردن گرفتن کاری است. معاهدات، پیمان‌های دو جانبه یا چند جانبه‌ای است که همه طرفین عهده دار می شوند تا در یک داد و ستد مالی یا غیرمالی، تعهد یا تعهداتی را انجام دهند. معاهدات تا زمانی لزوم اجرا دارند که همه طرفین به مفاد آن عمل کرده باشند و اگر هر یک از طرفین به مفاد آن عمل نکنند به معنای تخلف از آن معاهده بوده و باید فسخ کننده تبعات آن را بپذیرد و بعد از فسخ آن معاهده از سوی هر کدام از طرفین، طرفین دیگر ملتزم به انجام هیچ عملی بر اساس مفاد معاهده نیستند، البته برخی از معاهدات زمان دار هستند و بمجرد اینکه زمان آن تمام شود، دیگر طرفین، تعهدی نسبت به هم نخواهند داشت.

۱۰۱- مفهوم معاهده در ساحت حقوق بین الملل:

حقوق بین الملل به معنای مجموعه مقررات و قوانینی است که بر جامعه بین الملل حاکم و بردولتها لازم الاجرا می باشد. جامعه حقوق بین الملل، اجتماعی بر مبنای همبستگی و همکاری با توجه به منابع مشترک و نیازهای متقابل کشورها است. در تعریف حقوق بین الملل می توان گفت که حقوق بین الملل مجموعه قواعدی است که دولتها که همان اعضای جامعه بین الملل می باشند آن قوانین را بر خود لازم الاجرا می دانند. علاوه بر این حقوق بین الملل شامل قواعدی است که طرز ارتباط دولتها، طرز تشکیل و وظایف سازمان های حقوق بین الملل و ارتباط این سازمانها با دولتها و بایکدیگر را مشخص می کند. در بعضی موارد همچنین تکالیف و حقوق افراد را معین می کند.

۰۲- تحلیل حقوق بین الملل از نظر تاریخی:

از نظر تاریخی برای اولین حقوق بین المللی را در قرن ۱۷ گروسیوس (بنیانگذار حقوق بین المللی معاصر) در کتاب خود به نام حقوق جنگ و صلح مقررات و قوانین حقوق بین الملل را بیان داشت و البته از این اصطلاح را به جای اصطلاح حقوق بین الملل استفاده کرد.

بعد از گروسیوس دانشمندان مختلفی اصطلاحاتی برای معرفی این رشته بکار برده اند؛ از جمله آن اصطلاحات می توان به اصطلاح حقوق بین الدول (امانوئل کانت) حقوق نوع بشر (پاسکال فیور)، حقوق عمومی اروپا (مایلی) و حقوق سیاسی خارجی (هگل) اشاره نمود. برای اولین بار اصطلاح حقوق بین الملل را به شکل کاربرد امروزی جرمی بنتام (حقوقدان فیلسوف انگلیسی) در سال ۱۷۸۰ میلادی در کتاب خود به نام مقدمه ای به اصول اخلاق و قانون منتشر نمود.

۰۳- قلمرو حقوق بین الملل:

حقوق بین الملل بر اساس دامنه شمول و حدود اجرای مقررات حقوق بین الملل به دو قلمرو عام و خاص طبقه بندی می شود. حقوق بین الملل عام، شامل مقرراتی است که رعایت آن برای جامعه بین الملل عام قابل اجرا است. این قواعد باید از طرف تمام یا حداقل اکثریت قابل توجهی از کشورهای جهان از جمله کشورهای بزرگ پذیرفته شده باشد. در این صورت حتی اگر این مقررات برای کشورهایی رسماً پذیرفته نشده باشد و متعهد نشده باشند، نیز الزام آور و تعهد آور است. از این جمله میتوان به تعهدنامه ۱۹۴۹ ژنو در موضوع حقوق جنگ اشاره نمود.

حقوق بین الملل خاص، شامل مقرراتی است که رعایت آن فقط برای جوامع خاص تعهد آور و لازم الاجرا دارد که در آن جوامع حداقل دو کشور گردهم آمده باشند. از این جمله تعهدنامه های اقتصادی، بازرگانی، علمی و فرهنگی همکاری بین کشورهای مختلف نام برد. این نوع تعهدات همانند نوع اول اجرائی لازم است ولی تنها برای همان کشورهایی که متعهد شده اند.

۰۴- لزوم اجرا معاهدات از دیدگاه اسلام

لزوم اجرا معاهدات از نظر حقوقی که توضیح داده شد و از نظر عرفی و عقلی قبح عدم وفا به پیمان ها بسیار روشن است؛ لذا در اینجا لازم است از نظر دین مبین اسلام نیز اجمالاً قبح عمل نکردن و فسخ پیمان را بررسی کنیم.

۱۰۴- دیدگاه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت آن حضرت:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرمایند: «... لا دين لمن لا عهد له...» (ابن حیدر شعیری ، ۱۳۷۱، جلد ۱، صفحه ۷۴) هر کس وفادار به عهدش نیست دین ندارد.

در این حدیث از واژه "من" استفاده شده که نشان دهنده این است که این حدیث عام است و اگر طرفین مقابل نامسلمان هم باشد باز هم پای بند نبودن به عهد از بی دینی است.

حضرت علی (علیه السلام) نقل شده که فرمود: «... ان الله لا يقبل الا العمل الصالح و لا يقبل الله الا الوفاء بالشروط و العهود...» (کلینی، ۱۳۸۷، جلد ۱، صفحه ۱۸۱) خداوند چیزی جز عمل صالح از بندگان خود نمی پذیرد و جز وفای به شروط و پیمانها را قبول نمی کند.

در این حدیث هم به صورت مطلق بر وفا به عهد تاکید شده است و آن را مختص به وفا عهد نسبت به مسلمان ننموده اند.

۲۰۴- دیدگاه قرآن کریم

قرآن کریم می فرماید «...أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء، ۳۴) به عهد (خویش) وفا کنید (زیرا) قطعاً از عهد سؤال می شود.

باز در این آیه هم مطلقاً وفای به عهد لازم دانسته شده و به آن امر شده است.

۰۵- وابستگی پهلوی به بیگانگان مخصوصاً امریکا

در دوران قبل از انقلاب مردم عزیز کشور ایران مشکلات زیادی را به خاطر سوء مدیریت و ابتذال سیاسی و فساد پهلوی، چه در زمینه مالی و چه در زمینه فرهنگی تحمل میکردند؛ اما مهم تر از این ها وابستگی شدید پهلوی به انگلیس و امریکا بود. وابستگی پهلوی هم در دوران رضا خان و هم در دوران محمد رضا به وضوح معلوم بود.

برای روشن کردن وابستگی رضا خان در برابر انگلیس به این گفته های چرچیل و روزولت در کنفرانس تهران درباره او استناد می کنیم که این چنین اعتراف کردند: «خودمان او را آوردیم و خودمان او را برداشتیم.» (احمد فاروقی و ژان لوروریه، ۱۳۵۸، ص ۲۸)

درباره وابستگی محمدرضا هم به نوشته نیویورک تایمز رجوع می کنیم که می نویسد: « پس از کودتا، شاه گیلان خود را با تعارف به کرمیت روزولت رئیس بخش سیا در خاورمیانه برداشت و گفت: من تاج و تخت خود را به خدا، مردم کشورم، ارتشم و به شما مدیونم. » (گازپوروسکی، ۱۳۹۸، ص ۲۸)

این وابستگی علاوه بر اینکه بر روی فرهنگ مردم اثر گذار بود، باعث عقب ماندگی ایران در صنعت و اقتصاد نیز شده بود. منابع ایران مانند نفت به سهولت در اختیار بیگانگان قرار میگرفت و در عوض تمامی صنعت مورد نیاز کشور از خارج وارد می شد؛ تازه بدتر از آن، این بود که به شدت بیگانگان و حکومت از اینکه خود ایرانی ها به تکنولوژی مورد نیاز خود دست یابند ممانعت میکردند. در مواردی قیمت ها را چند برابر با ایران حساب میکردند یا محصول خود را جوری به ایران میدادند تا مجبور به تعویض زود به زود آن گردد؛ برای مثال نوعی موشک در اختیار ایران قرار می دادند که بعد از مدتی بخشی از آن ترک برمیداشت و می شد همان بخش رو عوض کرد ولی آن کشور خارجی سازنده که همان آمریکا بود دستور به تعویض کامل موشک می داد و ایران بدون چون و چرا دوباره موشک را تعویض می کرد و جالب تر از آن، این است که حکومت پهلوی با بعضی از افراد ایرانی که به این موضوع پی برده بودند برخورد کرد.

آمریکا آشکار و پنهان در تصویب یا رد لوایح، عزل و نصب مقامات ارشد، سیاست گذاریها، امضای قراردادها و پروتکلها و... دخالت داشت.

علی امینی که یک سیاسی دو ملیتی که از جوانی عضو سیا بود؛ درباره دخالت آمریکایی ها در امور کشور می گوید: «شاه دل خوشی از هیچکس نداشت و همیشه خارجی ها افرادی را به او تحمیل می کردند چون شاه چیزی نبود. رزم آرا (رئیس ستاد مشترک ارتش) و بعداً نخست وزیر را هم آمریکایی ها به او تحمیل کردند. » (توکلی، ۱۳۷۶، ص ۸۹)

این عامل مهم عدم پیشرفت ایران شده بود.

البته آمریکا از این موضوع که حکومت وابسته پهلوی میتواند برای او، پلی برای بدست آوردن انرژی و پول باشد باخبر بود و علاوه بر این حکومت پهلوی امنیت را در این منطقه برای پایگاه های او و کشورهای مورد حمایت او مانند اسرائیل به ارمغان می آورد.

۰۶- ضرورت بحث از تخلفات امریکا در معاهدات بین المللی

با پیروزی انقلاب اسلامی شعار استقلال به عنوان یکی از اهداف انقلاب تجلی پیدا کرد. هزاران جوان ایرانی برای به دست آوردن این انقلاب و این استقلال از جان خود گذشتند و خون آن ها در پای نهال انقلاب ریخته شده است تا این انقلاب

روز به روز پیشرفت کند و در جهان الگویی برای جهانیان باشد. انقلاب اسلامی ایران باعث می شد تا دیگر آمریکا بطور مستقیم نتواند در امور کشور ایران دخالت کند منابع ایران را به سهولت غارت کند؛ اما این پایان کار نبود و آمریکا با روش های غیر مستقیم قصد دخالت در ایران را داشت. آمریکا با نفوذ روی عوامل داخلی، تحریم اقتصادی ایران، حمایت مستقیم و غیر مستقیم از جنگ نظامی علیه ایران و امور دیگر قصد شکست یا ضعیف کردن انقلاب و برگشت به دوران نفوذ را داشته بود؛ علاوه بر این، شکست ایران باعث عدم تبلیغ این نوع انقلاب در جهان میشد؛ لیکن این راهکارها یا افاقه نکرد و یا کافی نبود به این دلیل آمریکا به فکر نفوذ دیپلماتیک افتاد تا با این نقشه جلوی پیشرفت سریع جمهوری اسلامی ایران را بگیرد.

با همه این توضیحات این مطلب اهمیت خود را نشان می دهد تا به آمریکا اعتماد نشود، اگر چه از درجه دیپلماتیک وارد شده باشد. اما این تفکر در ایران بوده و هست که وقتی کشور بزرگی مانند ایالات متحده تعهد بین المللی را امضا میکند دیگر امکان نقض آن را ندارد و با این تفکر که آمریکا نمی تواند تعهدات و معاهدات بین المللی را نقض کند به سوی مذاکره با آمریکا رفتند. مثال بارز آن برجام است که با اینکه معاهده ای بین المللی بود آمریکا اول با عدم عمل به آن، آن را نقض کرد و بعد نیز رسماً از آن خارج شد.

پس لازم است تعداد زیادی از معاهدات بین المللی که آمریکا آن ها را غیر قانونی فسخ کرده است بیان کنیم تا عدم امکان اعتماد به آمریکا حتی در صورت امضای معاهده بین المللی را روشن کنیم.

۰۷- هدف آمریکا از شرکت در معاهدات بین المللی و تخلف در اکثر آن ها

هدف کلی آمریکا از ایجاد و شرکت در معاهدات بین المللی سلطه بر جهان و گسترش ایدئولوژی خود در جهان است. آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم با همین دو هدف، یکی از مؤسسان سازمان ملل بوده و معاهدات مختلفی را تدوین یا امضا کرده است؛ آمریکا بوسیله سازمان ملل و معاهدات مختلف قصد سلطه مطلق بر جهان هم از نظر اقتصادی و هم از نظر فرهنگی را دارد. البته هرگاه قسمتی از مقررات بین المللی یا معاهدات بین المللی به ضرر او باشد، اگر چه خود او یکی از امضا کنندگان آن باشد، بدون هیچ شرمی از آن تخلف می کند؛ این است منطق و روحیه استکباری آمریکا که از ابتدا تا کنون.

۰۸- معاهداتی که آمریکا از آن ها تخلف کرده یا آن ها را فسخ کرده است

۱۰۸- معاهدات بین حکومت آمریکا و قبایل بومی (۱۷۷۲-۱۸۹۶م)

بومیان قاره آمریکا که امروزه با نام سرخ پوستان شناخته می شوند در حدود ۱۲ هزار سال پیش از میلاد مسیح ساکن قاره آمریکا و دارای زبان و فرهنگ غنی بوده اند. آنان نخستین کسانی بودند در آمریکا ساکن شدند و ساکنان اصلی آن حساب می شوند. این مردمان کسانی بودند که از آرامی از آفریقا گذر کرده به قاره های دیگر رفته بودند و از آنجا به تدریج به قاره آمریکا آمده بودند.

گفته شده است که مردمان شمال اروپا به سواحل آمریکا آمده بودند ولی اصلی ترین مهاجرت از اروپا به آمریکا، پس از سفر کریستف کلمب از کشور پرتغال به این قاره و حدود سال ۱۶۰۰ میلادی آغاز شد. مهاجرین سفید پوست اروپایی از سمت شرق، شروع به ساکن شدن در آمریکا و بیرون کردن بومیان آمریکا با زور یا فریب، از سرزمین های خود کردند. سربازها، بومی های آمریکا را دنبال کرده و آنها را می کشتند یا از سرزمین خود بیرون می راندند و این تا سال ۱۹۰۰ میلادی که باقیمانده قبایل به اردوگاه ها رانده شدند ادامه پیدا کرد.

مابین سال های ۱۷۷۲ تا ۱۸۹۶ میلادی حدود ۳۷۴ معاهده مختلف ما بین حکومت آمریکا و ساکنان بومی منعقد شد؛ اما این تعهدات بیشتر برای فریب بومی ها بود و حکومت آمریکا اکثر آن ها را فسخ کرده و یا به مفاد آنها به طور کامل عمل نکرد. این همان خصلت فریب کاری و غیر بشری آمریکا است. این معاهدات جنبه بین المللی ندارد ولی بیان آن برای آشکار کردن خوی وحشی و استکباری آمریکا (حتی در قبال ساکنان اصلی آمریکا) و عدم پایبندی او به تعهداتش مفید است.

۲۰۸- پیمان ورسای (۱۹۱۹م)

جنگ جهانی اول در تاریخ ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸ میلادی با پیروزی متفقین پایان یافت؛ در پی آن، مذاکرات صلحی با شرکت ۲۷ کشور از تاریخ ۱۲ ژانویه تا ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ در کاخ ورسای واقع در کشور فرانسه برگزار شد ولی بخش عمده مذاکرات (از ماه مارس به بعد) به وسیله چهار نفر از نمایندگان رسمی قدرت های بزرگ یعنی ژرژ کلمانسو (نخست وزیر فرانسه)، دیوید لوید جرج (نخست وزیر انگلستان)، توماس وودرو ویلسون (رئیس جمهور آمریکا) و اورلاندو (نخست وزیر ایتالیا) انجام شد؛ (در مورد مسائل خاور دور نمایندگی ژاپن نیز مورد مشورت قرار می گرفت) پس دیپلمات های این چهار کشور تاثیر و نفوذ بسیاری در تدوین مفاد این عهدنامه داشتند و مفاد چنین پیمانی بدون تردید در درجه اول منافع چهار کشور آمریکا، انگلیس، ایتالیا و فرانسه را برآورده می کرد.

مفاد این عهدنامه دارای ۴۴۰ ماده و ۱۵ بخش بود. و بخش اعظم این عهدنامه درباره جدا کردن بخش هایی از سرزمین آلمان بود و به شدت باعث تحقیر آلمان شد. طبق آن، آلمانی ها مجبور به پرداخت غرامت به کشور های فاتح و خلع

سلاح نسبی می شد. البته مفاد دیگری درباره دیگر نقاط جهان داشت که اکثرا با غرض کنترل و هدف دهی جهان به سوی منافع چهار کشور قدرتمند آن زمان و مخصوصا آمریکا و انگلیس بود؛ برای مثال یکی از مفاد کلیدی این معاهده که نقش تاریخی مهمی دارد ایجاد کشور عربستان سعودی بود یا یکی از اهداف این معاهده چندپارگی امپراطوری عثمانی بود.

در نهایت این معاهده در ژانویه سال ۱۹۲۰ میلادی به اجرا گذاشته شد و اثرات مختلفی بر تحولات جهان گذاشت و شاید بتوان گفت که یکی از دلایل اصلی جنگ جهانی دوم همین پیمان بود. نکته قابل توجه و مورد بحث در این تعهدنامه، این است که آمریکا یکی از پیشنهاد دهندگان اصلی این طرح بوده و رئیس جمهور وقت آن کشور یکی از اساسی ترین نفرات در تعیین مفاد این معاهده جهانی بوده است ولی جالب اینجاست که مجلس سنای آمریکا در نوامبر سال ۱۹۱۹ میلادی این معاهده بین المللی را به تصویب نرساند.

۳۰۸- کنوانسیون بین المللی کار (۱۹۵۰م)

در جهان قوانین حامی کار و کارگران بصورت منسجم و جامع وجود نداشت. این نیاز توسط دوتن یعنی رابرت اوون و دانیل لگراند که خود صنعتگر بودند مورد پیگیری قرار گرفت.

با همکاری های بین المللی تدوین مفاد قانون کارگران در سال ۱۹۰۱ میلادی شروع شد و قانون سازمان بین المللی کار به وسیله کمیسیون کار در کنفرانس بین المللی صلح (ورسای) در بین ماه های ژانویه و آوریل سال ۱۹۱۹ میلادی تدوین شد. کمیسیون کار متشکل از نمایندگان ۹ کشور چکسلواکی، فرانسه، بلژیک، کوبا، ژاپن، ایتالیا، لهستان، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا بود و ریاست این کمیسیون با ساموئل گامپرس (رئیس فدراسیون کارگری آمریکا) بود. بالاخره سازمان بین المللی کار با هدف تعیین و تدوین مقررات بین المللی برای بهینه سازی استانداردهای بین المللی کار و اطمینان از رعایت آنها تشکیل شد. این سازمان سه جانبه گرایی بین کارگران، نمایندگان دولت، کارفرمایان بود.

این معاهده هم به امضای ۱۵۴ کشور رسیده و در سال ۱۹۵۰ میلادی به اجرای کامل درآمده است. از جمله کشور هایی که این معاهده را تدوین و در ابتدا امضا کرده، ایالات متحده آمریکا بوده است و مهم تر اینکه ریاست این کمیسیون با رئیس فدراسیون کارگری آمریکا بود اما هرگز آمریکا این معاهده را به تصویب نرساند.

۴۰۸- توافقنامه ژنو (۱۹۵۴م)

ژاپن در جنگ جهانی دوم، هندوچین را به تصرف در آورد و باعث شده تسلط نیروهای مستعمراتی فرانسه که از منطقه موقتاً از بین برد. لیکن در پایان جنگ دوم ژاپن شکست خورد و این باعث شد تا انگیزه استقلال خواهی ایجاد شود و کمونیست‌ها و نیروهای ملی ویتنام، استقلال ویتنام را خواستار شوند. در نتیجه هوشی مین (انقلابی ناسیونالیست و کمونیست ویتنام) در تاریخ دوم سپتامبر سال ۱۹۴۵ میلادی تشکیل کشور مستقلی به نام ویتنام را اعلام کرد.

ولی این آرامش موقتی بود و دوباره نیروهای فرانسه سعی در استعمار مجدد بر هندوچین و ویتنام کردند ولی نیروهای ویتنامی (ویت مین) به سختی مقاومت می کردند و باعث شروع یکی از طولانی ترین جنگ های جهان و کشته شدن هزاران انسان شد.

امریکا به اهمیت موضع پی برده بود و می دانست فرانسه برای آمریکا می تواند در مقابل کمونیسم در آسیای جنوب شرقی عهده دار جنگی شود و برای همین امر (رئیس جمهور آمریکا) در سال ۱۹۵۰ میلادی ۳۵ نفر از گروه مشاوره نظامی آمریکا بعنوان کمکی در امر مشاوره و آموزش نظامی برای فرانسوی ها فرستاد شد.

نیرو های فرانسوی به شدت مجهز بودند و جنگی همه جانبه علیه ویتنام را رقم زدند اما مکرر ضربه میخوردند اما در سال ۱۹۵۴ میلادی نیروهای فرانسوی در منطقه دین بین فو ویتنام شکست بسیار سختی خوردند که باعث شد، تا نمایندگان جمهوری دموکراتیک ویتنام (کمونیست)، فرانسه، کامبوج، اتحاد جماهیر شوروی، چین، لائوس، ایالت ویتنام که توسط آمریکا به رسمیت شناخته شده بود و ایالات متحده برای تدوین معاهده ای در تاریخ ۸ مه سال ۱۹۵۴ میلادی گرد هم آمدند.

این معاهده به امضای ویتنام، فرانسه، شوروی، انگلیس و چین رسید. اما آمریکا که خود برای حفظ منافعش یکی از اعضای تیم مذاکره کننده بود این معاهده را امضای نکرد.

۵۰۸- معاهده حذف همه انواع تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹)

این معاهده، معاهده بین المللی است. مجمع عمومی سازمان ملل در تاریخ ۱۸ دسامبر سال ۱۹۷۹ میلادی مورد پذیرفته شد و البته اجرای آن مربوط به تاریخ ۳ سپتامبر سال ۱۹۸۱ میلادی است.

ایالات متحده آمریکا جزو کشور هایی بود که این کنوانسیون را امضاء کرده است ولی نکته این است که هرگز به آن ملحق نشده است.

۶۰۸-پیمان نامه حقوق کودک (۱۹۸۹)

همه انسان ها نیاز به نوعی امنیت در شئونات زندگی خود هستند ولی ایم مهم در رابطه با کودکان باتوجه به اینکه از نظر روح و جسم در شرایط ویژه ای هستند بیشتر اهمیت پیدا می کند و به این خاطر آن ها نیازمند مراقبت و حمایت ویژه ای هستند. کودکان برای بهرمندی از حقوق خویش باید مورد حمایت بزرگسالان قرار گیرد و این لزوم حمایت و احترام به حقوق کودکان به قدری بدیهی است که همه انسان ها این واقعیت را درک می کنند و حتی دین مبین اسلام نیز بر آن تاکید دارد.

کنوانسیون بین المللی حقوق کودک یک پیمان نامه ای است که در آن حقوق اجتماعی، فرهنگی، مدنی، بهداشتی، اقتصادی کودکان را بیان می کند. این پیمان نامه دارای ۵۴ ماده و ۲ پروتکل اختیاری می باشد. طبق ماده اول این کنوانسیون، هر انسان زیر ۱۸ سال کودک محسوب می شود (البته این سن استثنا نیز دارد) و این قوانین درباره او لازم الاجرا است.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۰ نوامبر سال ۱۹۸۹ میلادی این کنوانسیون را پذیرفت. و در تاریخ ۲ سپتامبر سال ۱۹۹۰ میلادی لازم الاجرا گردید.

این پیامان نامه از پذیرفته ترین اسناد سازمان ملل است به نحوی که تقریباً تمامی اعضا سازمان ملل آن را پذیرفته اند. اما آمریکا تنها عضو از اعضای سازمان ملل است که آن را نپذیرفته و تصویب نکرده است و به این صورت به یکی از فطری ترین و پذیرفته ترین قوانین سازمان ملل متحد به آسانی پشت کرده است.

۷۰۸-توافق هسته ای کره شمالی (چارچوب توافق) (۱۹۹۴)

شبه جزیره کره پس از شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم به دو قسمت تقسیم گردید و قسمت شمالی روی به سوی شوروی و قسمت جنوبی آن روی به سوی آمریکا داشت. تقسیم یک ملت به دو قسمت از یک سو و تحریک ابرقدرتهای آن زمان از سوی دیگر باعث به وجود آمدن جنگ های سخت بین دو کره شد.

از ابتدای امر، آمریکا نسبت به کره شمالی با دیدگاه خصمانه رفتار میکرد. آمریکا در سال ۱۹۵۶ میلادی بر خلاف بند

۱۳ مهاهده آتش بس کره، در کره جنوبی تسلیحات هسته ای قرار دهد.

کره شمالی از اوایل دهه پنجاه میلادی در تلاش برای به دست آوردن فن آوری هسته ای بود و در همین راستا کره شمالی در دسامبر سال ۱۹۵۲ میلادی مؤسسه‌ای به عنوان مؤسسه تحقیقات انرژی هسته‌ای تأسیس کرد در همین راستا از شوروی و چین درخواست کمک کرد که با مخالفت چین مواجه شد ولی شوروی موافقت کرد تا به برنامه صلح آمیز هسته ای کره شمالی کمک کند؛ این کمک شامل آموزش به دانشمندان کره شمالی و همکاری های فنی بود. در این رابطه چندین قرار در سال های مختلف بین شوروی و کره شمالی به امضا رسید. تنها دلیل پیشرفت برنامه هسته ای کره شمالی همکاری شوروی نبود بلکه تلاش های دانشمندان کره شمالی کشور نیز نقش بسزایی در این زمینه داشته است.

بعد از اینکه رشد هسته ای کره قابل توجه شد، امریکا فشارهای خود را بر کره شمالی افزایش داد. این فشارها باعث شد تا کره شمالی معاهده با آژانس انرژی اتمی و امریکا و شوروی در ژوئیه سال ۱۹۷۷ میلادی امضا کند.

کره شمالی با فروپاشی شوروی موقعیتش تضعیف شد. همین وضعیت موجب شد در سال ۱۹۹۲ میلادی موافقت نامه پادمان های آژانس را بپذیرد. در پی آن بازرسی ها از تاسیسات هسته ای کره شمالی از سوی بازرسان آژانس انجام شد. اما بعد از مخالفت کره شمالی به درخواست بازدید بازرسان آژانس از دو سایت مشکوک هسته ای، کره شمالی از آن پی تی خارج شد.

کره شمالی در سال ۱۹۹۴ میلادی بدون حضور بازرسان آژانس در مواد هسته ای و تاسیسات فنی خود جابجایی ها و اقداماتی انجام داد. در پی آن، بیل کلینتون (رئیس جمهور آمریکا) از شورای امنیت خواست تا تحریم های اقتصادی علیه کره شمالی وضع و اعمال نماید.

اما در زمان ریاست جمهوری جیمی کارتر، وی به کره شمالی سفر کرد و با کیم ایل سونگ (رئیس جمهور کره شمالی) در اکتبر سال ۱۹۹۴ میلادی به توافقی رسیدند که معروف به "چارچوب توافق شده" است. توقف عمده ترین فعالیت های هسته ای کره شمالی و تأیید آن توسط آژانس انرژی اتمی و پایبند بودن کره شمالی به "بیانیه مشترک هسته ای زدایی شبه جزیره کره" از مهم ترین الزامات این توافق برای کره شمالی بود و در برابر ایالات متحده متعهد شد تا پیش قدم یک ائتلاف بین المللی برای طراحی و ساخت دو راکتور آب سبک در کره شمالی باشد و همچنین هر سال ۵۰۰۰۰۰ تن نفت را تا سال ۲۰۰۳ میلادی برای کره شمالی فراهم کند؛ علاوه بر این ها ایالات متحده رسماً عدم مبادرت به تحریم و عدم استفاده از سلاح هسته ای بر ضد کره شمالی را متعهد شد.

کره شمالی از تاخیر در ساخت راکتور آب سبک ناراضی بود بارها به امریکا به دلیل عدم انجام توافقاتش هشدار داد ولی با این وجود این توافق حدود ۱۰ سال پابرجا بود.

جورج دبلیو بوش (بوش پسر، رئیس جمهور آمریکا) از ابتدا مسیری متفاوت در پیش گرفتن و در سخنرانی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۰۰، وعده لغو و پاره کردن این توافق را داد. وی بعد از پیروزی در انتخابات، تلاش کرد با ابزار فشار و کار شکنی های مختلف، باعث شود تا خود کره شمالی توافق را ترک کند ولی این اتفاق نیفتاد؛ تا اینکه در سال ۲۰۰۱ میلادی، دولت جرج بوش (رئیس جمهور آمریکا) در سخنرانی سالانه خود در کنگره کره شمالی، عراق و ایران را "محور شرارت" خواند. بوش بر اساس ادعای اینکه برخی از نهادهای اطلاعاتی آمریکا اطلاعاتی مبنی بر غنی سازی مخفیانه اورانیوم با غلظت بالا در کره شمالی را در دست دارند، اعلام کرد دیگر آمریکا تعهدی نسبت به این توافق ندارد و در سال ۲۰۰۲ میلادی ارسال نفت به کره شمالی را متوقف کرد؛ این باعث شده کره شمالی بازرسان آژانس را اخراج و از آن پی تی خارج شود.

سال ها بعد برخی از مقامات امریکایی اذعان کردند که این ادعا ها بدون مدرک یقین آور بوده و اساسا آمریکا با نظر به اینکه کره شمالی بعد از این توافق از هم فرو خواهد پاشید به پای میز توافق آمده و آن را امضا کرده بود.

کره شمالی و آمریکا از آن به بعد بار ها توافق کردند که آمریکا هر بار با ادعایی (اکثر قریب به اتفاق آن ها ثابت نشده) به کرات در این توافقات تخلف کرده یا به کلی آن ها رافسخ کرده است.

البته شباهات روابط بین کره شمالی و آمریکا با روابط بین ایران و آمریکا و سرگذشت این مذاکرات با مذاکرات ایران یا آمریکا، جای بسی تأمل دارد. زیرا بررسی آن درس های فراوانی برای جمهوری اسلامی ایران به همراه خواهد داشت؛ از جمله اینکه آمریکا تنها در زمانی که یقین کند منفعت کلانی برای خودش در مذاکره کردن با ایران است و بهترین راه شکست ایران یا ضربه زدن به ایران مذاکره هست، به پای میز مذاکره خواهد آمد و هر زمان که احساس کند که توافق برای ایران بهره ای دارد حتما از اجرای کامل آن دست برداشت یا از آن خارج خواهد شد. اگرچه به صورت کلی تاریخ بعید می داند آمریکا به توافقی کامل پایبند بماند.

۸۰۸-اساسنامه دیوان کیفری بین المللی (۲۰۰۲)

احساس نیاز بر ایجاد نهاد بین المللی کیفری مستقل که بصورت موقت نباشد از بدو شکل گیری سازمان ملل متحد و نظم دهی جهان در زیر پرچم آن، احساس می شد. در همین راستا در تاریخ ۹ دسامبر سال ۱۹۴۸ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد درخواستی مبنی بر تدوین پیش نویس اساسنامه یک دیوان کیفری مستقل و بین المللی را از کمیسیون

حقوق بین‌الملل ارائه کرد. مجمع عمومی سازمان ملل در ابتدا کمیته مقدماتی و در سال بعد در نیویورک جلسه تدوین اساسنامه مقدماتی دیوان بین‌الملل کیفری را تشکیل داد و برای تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در جولای سال ۱۹۹۸ میلادی ایتالیا میزبان نمایندگان کشورهای مختلف در رم بود؛ در نهایت این معاهده بین‌المللی در سال ۲۰۰۲ میلادی لازم‌الاجرا و در سال ۲۰۰۳ میلادی این دیوان در لاهه هلند تاسیس شد.

از مهم‌ترین وظایف این دیوان رسیدگی به جنایت‌های متخلف ضد بشریت، نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایات تجاوز بود. در این معاهده کشورهای پذیرنده وظیفه دارند در صورت که اتهامی علیه شهروندانشان وارد باشد یا متهمی وارد سرزمین آن‌ها شود، آن‌ها را دستگیر و یا در داخل محاکمه کرده و یا به دیوان تحویل دهد. البته دیوان به غیر از مواردی که توسط شورای امنیت سازمان ملل ارجاع شده است، حق صدور حکم برای شهروندان کشور های غیر عضو را ندارد.

دیوان بین‌المللی که بخشی از اساسنامه رم است، از بین ۱۴۸ جهان مورد موافقت ۱۲۰ کشور قرار گرفت و تنها ۸ کشور با آن مخالفت کردند که امریکا یکی از آن کشورها بود.

بیل کلینتون (رئیس‌جمهور آمریکا) این معاهده را امضا کرد ولی با بهانه اینکه آمریکا باید اول نحوه عملکرد این دیوان را زیر نظر بگیرد و بعد برای تصویب آن به سنا تحویل دهد از تصویب آن سرباز زد و الان که سال‌ها از اجرای کامل این دادگاه بین‌المللی که در ظاهر، هدف آن گسترش عدالت و جلوگیری از ظلم در جهان است، می‌گذرد اما امریکا هنوز این توافق را به تصویب نرسانده است؛ امریکایی که خود را یکی از مدعیان حقوق بشر و عدالت در جهان می‌داند.

۹۰۸- پیمان کیوتو و توافق پاریس (۱۹۹۷، ۲۰۱۵م)

این دو پیمان نامه از جمله اصلی‌ترین توفقات جهانی در رابطه با تغییرات اقلیمی و کاهش گاز های گلخانه ای است.

پیمان کیوتو در کیوتو ژاپن در دسامبر سال ۱۹۹۷ میلادی مورد مذاکره قرار گرفت و در تاریخ ۱۶ فوریه سال ۲۰۰۵ میلادی در حالت اجباری قرار گرفت؛ به دنبال آن تقریباً همه ۱۶۶ کشور در اکتبر سال ۲۰۰۶ میلادی آن را به امضای خویش درآوردند. بجز چهار کشور که از بزرگترین آن‌ها امریکا هست.

پیمان پاریس مربوط به کنفرانس تغییر اقلیم سال ۲۰۱۵ میلادی سازمان ملل در شهر پاریس است. حدود ۱۹۵ کشور جهان درباره آن مذاکره و در نهایت در تاریخ ۱۲ دسامبر سال ۲۰۱۵ میلادی به تصویب رسید.

توافق نامه تغییر اقلیم پاریس کشورهای در حال توسعه را هم ملزم به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای کرده است در حالی که کشورهای در حال توسعه با اینکه ۸۰ درصد جمعیت جهان را دارا هستند تنها ۲۵ درصد گازهای گلخانه‌ای انسان ساخت را تولید میکنند و کشورهای توسعه یافته با اینکه تنها ۲۰ درصد جمعیت جهان را دارا هستند ولی ۷۵ درصد گازهای گلخانه‌ای انسان ساخت را تولید می‌کنند.

کشورهای توسعه یافته به خصوص کشورهای اروپایی و آمریکا از عوامل اصلی افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان ساخت هستند. این کشورها همواره از این پروتکل‌های کاهش گازهای گلخانه‌ای حمایت میکردند تا دیگر کشورها ترغیب به پذیرفتن این معاهدات شوند ولی در عمل داستان وارانه است و هرگز به این معاهدات پایبند نبودند؛ حتی در مواردی بعد از عضویت کشورهای مختلف، رسماً از آن معاهدات خارج شدند. این عملکرد میتواند در راستای استعمار جهانی باشد؛ یعنی آن‌ها آزادانه به پیشرفت خود بپردازند و راه توسعه را بر کشورهای در حال توسعه و دارنده منابع سوخت‌های فسیلی ببندند و آسیب‌های اقتصادی گوناگونی را برای کشورهای در حال توسعه به وجود بیاورند.

البته احتمالی قوی مبنی بر اینکه اصل نظریه گرمایش جهانی به وسیله انتشار بیش از حد گازهای گلخانه‌ای دروغ بزرگ استماری بیش نباشد، وجود دارد و هرگز کسی نتوانسته ثابت کند که گرمای فعلی کره زمین از گرمای آن در قرون وسطی بیشتر است.

بر فرض صحت نظریه گرمایش جهانی به وسیله انتشار بیش از حد گازهای گلخانه‌ای، باز هم کشوری ایران با سهم ۱,۳ درصدی که نقشی خاصی در افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای ندارد متعهد به کاهش ۱۲ درصدی انتشار این گازها شده است. این هیچ کمکی به کاهش روند افزایش گازهای گلخانه‌ای نمی‌کند و این کشور که در مجموع منابع سوخت فسیلی، رتبه نخست جهان را دارا است باید بر مبنا موافقت نامه پاریس از این منابع ارزشمند انرژی استفاده کافی و مورد نیاز را نکند و در آینده دچار کاهش سرعت توسعه و پیشرفت و مشکلات زیادی در زمینه اقتصادی شود.

آمریکا کشوری است که با سهم ۱۶ درصد در تولید گازهای گلخانه‌ای در جهان از عوامل اصلی افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای است. آمریکا از کشورهای حامی توافقات آب و هوایی کیوتو و پاریس بود و مرغب کشورهای دیگر به عضویت در این معاهدات ولی با وجود امضای معاهده کیوتو، هرگز آن را تصویب نکرد و رسماً از توافق نامه پاریس خارج شد. آن بدان معناست که آمریکا رسماً هیچ محدودیتی در تولید گازهای گلخانه‌ای ندارد. این نشان از این دارد که آمریکا فقط به فکر منافع شخصی خود هست و برای این کشور جامعه جهانی هیچ ارزشی به جز برای پیش بردن اهدافش ندارد.

روابط ایالات متحده آمریکا و ایران از میانه قرن نوزده میلادی آغاز شد. این روابط از سال ۱۸۹۹ میلادی تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران پابرجا بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، جو ضد امریکایی در ایران پررنگ تر شد و روابط این دو کشور دچار مشکل شد و با پستی و بلندی های مختلف رو به رو شد و در ۱۳ آبان سال ۵۸ سفارت امریکا در ایران توسط دانشجویان پیرو خط امام تسخیر شد؛ مذاکرات دولت امریکا برای آزاد سازی اعضای دستگیر شده سفارتش در تهران بدون نتیجه ماند و ایالات متحده اقدام نظامی را برای این مشکل در پیش گرفت؛ در پی همین در ۱۹ فروردین سال ۱۳۵۹ قطع روابط سیاسی خود با جمهوری اسلامی ایران را به طور رسمی اعلام کرد تا برای عملیات نظامی در ایران آماده باشد. این عملیات نظامی در ۵ اردیبهشت سال ۱۳۵۹ انجام شد که با توفانی که در صحرای طیس به وقوع پیوست، به سختی در هم شکست.

اولین ملاقات سیاسی رسمی دو کشور بعد از قطع ارتباط رسمی در تاریخ ۷ خرداد سال ۱۳۸۷ و برای برقراری صلح در عراق بود و طی ۳ دور مذاکرات فرستادگان ایران و آمریکا در بغداد انجام شد؛ که به نتیجه ای نرسید. البته ملاقات های محرمانه ای بین ایران و آمریکا قبل از این تاریخ انجام شده بود.

اما اصلی ترین مذاکرات سیاسی بلندمدت بعد قطع ارتباط سیاسی مرتبط با موضوع حق انرژی هسته ای جمهوری اسلامی ایران بود.

در سال ۱۳۸۲ و مصادف با ریاست جمهوری آقای سید محمد خاتمی، شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی توجه ویژه ای به فعالیت های هسته ای ایران پیدا کرد. در آغاز سازمان انرژی اتمی ایران مسئول مذاکره با آژانس شد. با صدور قطعنامه سپتامبر سال ۲۰۰۳ میلادی شورای حکام علیه ایران، مسئولیت مذاکره به وزارت امور خارجه محول شد و در نهایت در مهر سال ۱۳۸۲ با نظر وزارت امور خارجه این مسئولیت به شورای عالی امنیت ملی واگذار شد. آقای حسن روحانی دبیر شورای عالی امنیت ملی و چند تن از دیپلمات های وزارت خارجه اولین تیم مذاکره کننده هسته ای را تشکیل دادند.

روش آقای روحانی تنش زدایی و اعتماد سازی بود. وی مذاکره با سه کشور اروپایی را انتخاب کرد. نتیجه صدور بیانیه سعدآباد و امضای توافق نامه بروکسل و پاریس شد و ایران قبول کرد تا داوطلبانه غنی سازی معلق شود. با کارشکنی های مختلف اروپا، ایران غنی سازی را دوباره شروع کرد و عملاً توافق از بین رفت.

با شروع دولت آقای احمدی‌نژاد، آقای علی لاریجانی جایگزین آقای روحانی شد. لاریجانی مخالف راهبردهای آقای روحانی و سیاست مذاکره با اروپا بود. وی راه مذاکره با آژانس انرژی اتمی را در پیش گرفت. این مذاکرات هم بی فایده بود و پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل فرستاده شد که نتیجه آن صدور قطعنامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ علیه جمهوری اسلامی شد.

آقای سعید جلیلی در ۲۹ مهر سال ۱۳۸۶ و در پی استعفای آقای لاریجانی به جای ایشان انتخاب شد. وی مسیر متفاوتی را در پیش گرفت و دیدگاه حفظ صد درصدی منافع ملی را داشت. وی وارد مذاکراتی با گروهی شامل ایالات متحده آمریکا، چین، فرانسه، روسیه، انگلستان و آلمان که موسوم به گروه ۵+۱ است، شد. مذاکرات در ۶ دوره به مدت ۶۹ ماه اتفاق افتاد که طرفین موافق به توافقی نشدند. البته زیاد خواهی طرف های ۵+۱ و عدم رضایت طرف ایرانی به از دست رفتن دستاورد های هسته ای کشور نیز در این بی نتیجه ماندن تاثیرگذار بود. همچنین توافق آژانس با ایران، بیانیه تهران، صدور سه قطعنامه ۱۸۰۳، ۱۹۲۹ و ۱۹۸۴ شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران، تحمیل شدیدترین تحریم‌های ناشی از این قطعنامه ها و تحریم‌های اتحادیه اروپا و آمریکا بر ایران مقارن با دوران آقای جلیلی بود.

آقای حسن روحانی با این تفکر که راه حل حل مشکلات کشور در گرو رفع تحریم های علیه ایران است در انتخابات سال ۱۳۹۲ به پیروزی رسید. با آغاز دولت آقای حسن روحانی، ایشان دوباره مسئولیت مسئله هسته ای را به وزارت امور خارجه برگرداند. دیدگاه آقای محمد جواد ظریف (وزیر امور خارجه) تا حدودی همان دیدگاه آقای روحانی برای مذاکرات بود، یعنی اعتماد سازی.

در نهایت در پی ۲۰ ماه مذاکرات و بعد از تفاهم اولیه هسته‌ای لوزان، در ۱۴ ژوئیه سال ۲۰۱۵ میلادی در وین اتریش بین ایران، گروه ۵+۱ توافقی جامع صورت پذیرفت. آقای ظریف و فدریکا موگورینی (مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا) در یک نشست رسمی که تحت پوشش کامل رسانه ای بود، این توافق را با دو زبان فارسی و انگلیسی قرائت کردند.

رئیس جمهور ایران آقای روحانی در روز توافق در مقابل رسانه ها حضور یافت و گفت به ملت ایران اعلام می‌کنم در روز اجرای این معاهده طبق این معاهده، در روزی اجرایی شدن برجام، تمام تحریم‌های ایران در تمامی زمینه ها از جمله اقتصادی، بانکی، بیمه، حمل و نقل، پتروشیمی و فلزات گرانبها به طور کامل و یک جا لغو و نه تعلیق خواهد شد.

رهبر انقلاب اسلامی در ۲۹ مهر سال ۱۳۹۴ الزامات ۹ گانه‌ای برای اجرا برجام بیان کردند و آن را طی نامه ای ابلاغ فرمودند. رهبر انقلاب اسلامی در اوایل نامه تجربه این مذاکره (برای آینده) را عبرت آموز خواندند. ایشان بعد ها هم از نحوه عمل

به برجام و از عدم عمل به این شروط ابراز ناخوشنودی کردند. همچنین گفتند که ایشان بارها به وزیر امور خارجه و رئیس جمهور تذکر دادند.

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در ۱۰۹ صفحه و ۵ ضمیمه تدوین شد و برخی از الزامات برجام برای ایران در زیر بیان شده است:

الف. قلب راکتور آب سنگین اراک به نحوی که دیگر هرگز قابل استفاده نباشد تخریب شود و این غیر قابل استفاده شدن مادام العمر توسط آژانس تایید شود. قلب بعدی راکتور با مشارکت

ب. ذخیره اورانیوم غنی شده با غلظت پایین با ۹۸ درصدی کاهش از ۱۰ تن به ۳۰۰ کیلوگرم کاهش یابد این سطح ذخیره برای مدت ۱۵ سال پابرجا بماند.

ج. غنی سازی اورانیوم از ۲۰ درصد به ۳٫۶۷٪ به مدت ۱۵ سال کاهش بیابد.

د. سوخت هسته‌ای مصرف شده بازیافت نشود و از ایران خارج شود. همچنین ایران برای مدت ۱۵ سال اجازه تحقیق و توسعه در زمینه بازیافت هسته ای نخواهد داشت.

ه. ایران دو سوم از ۱۹۰۰۰ سانتی‌فیوژ خود را کاهش بدهد و از این تعداد فقط ۵۰۶۰ تا از آن ها اجازه غنی‌سازی اورانیوم به مدت ۱۰ سال دارند و ایران تنها مجاز به استفاده از سانتی‌فیوژ های نسل اول است.

و. ایران اجازه ساخت هیچ گونه تأسیسات هسته ای جدید را به مدت ۱۵ سال ندارد.

ز. نظارت‌های آژانس مادام العمر خواهد بود حتی پس از اتمام مدت اجرایی برجام نیز باقی خواهد بود و ایران چنانچه بازرسان آژانس درباره مکانی شک بکنند که در آن مکان توسعه هسته ای در حال اجرا هست، باید به آن ها اجازه بازرسی دهد.

برجام را میتوان اولین توافق رسمی ایران و آمریکا و بالاترین سطح روابط سیاسی دو کشور پس از انقلاب برشمرد.

ایران از روز شروع برجام به تمامی الزاماتش عمل کرد و آژانس انرژی اتمی این عمل ایران به برجام را بارها تایید کرد. اما اکثر طرف های دیگر از همان روز اول به دنبال نقض برجام بودند و هگز به طور قابل ملاحظه ای به مفاد این توافق پایبند نبودند و این واقعیت موجب شد ایران از بسیاری از حقوق خود در برجام محروم شود.

اما در بررسی عملکرد امریکا در برجام باید گفت که این کشور قبل از خروج از برجام بیش از ۱۰۰ بار روح و متن برجام را نقض کرد از جمله تصویب تحریم های جدید علیه ایران، تأیید اکثر تحریم های قبلی علیه ایران، امریکا با این اقدام میخواست این توافق را به توافقی برد باخت به سود خود تبدیل کند و عدم واکنش جدی ایران در عدم نقض برجام توسط امریکا کمکی نکرد.

نوبت به دونالد ترامپ رسید. وی از همان روزهایی که نامزد ریاست جمهوری امریکا مخالفتش با توافق هسته ای را اعلام میکرد.

آمریکا نمیتوانست از این توافق نامه خارج شود زیرا توافقی بین المللی و چند جانبه بود و باید طبق قوانین جهانی به آن پایبند می ماند؛ پس امریکا منتظر ماند تا ایران را متهم به خروج از برجام کند. اما ایران حتی یک تخلف هم از متن برجام نکرده بود و این از طرف آژانس انرژی اتمی بارها اعلام شده بود.

ترامپ به سخنان بنیامین نتانیاهو (نخست وزیر اسرائیل) درباره عدم پایبندی ایران به این معاهده، استناد کرد و گفت ایران هرگز به این معاهده پایبند نبوده است و در نهایت امریکا بعد از تخلفات زیاد خود از برجام، در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ سال از برجام خارج شد. ترامپ (رئیس جمهوری امریکا) همچنین وعده بازگشت تمام تحریم ها و اعمال تحریم های سخت گیرانه تری علیه ایران را داد.

برجام سرابی بیش نبود. اینجا سخن رهبر انقلاب روشن تر می شود که گفتند به این مذاکرات خوشبین نیستند اما این مذاکرات درس عبرتی برای ملت ایران میشود و درس عبرت همان قابل اعتماد نبودن امریکا هست.

نتیجه گیری

با بررسی این تعداد از معاهدات بین المللی و مهم جهان که امریکا خود یکی از اعضای مهم در تدوین آن بوده ولی با سهولت به آن ها پشت کرده است، متوجه میشویم که اعتماد به امریکا و دل بستن به وعده امریکا حتی اگر در قالب یک توافق بین المللی باشد کاری بس اشتباه و خطر ناک برای منافع کشور است.

تجربه سال های قبل و پس از انقلاب هم به ما ثابت میکند که هرگز امریکا دوست ما نخواهد بود و حرف ها و وعده های او صرفا در جهت تسلط کامل بر کشور است.

آنچه اقتصاد ما را نجات خواهد داد و باعث پیشرفت ما خواهد شد، نگاه به توان داخل است و نه مذاکره با امریکا.

در پایان حدیثی نقل میشود که مخلص تمام کلام است: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) میفرماید: «لا یدلغ المؤمن من جحر مرتین» مؤمن از یک سوراخ دو بار گزیده نمی شود. (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۹)

فهرست منابع و مآخذ

- فاروقی، احمد؛ لوروریه، ژان (۱۳۵۸). ایران برضد شاه. ترجمه مهدی نراقی. تهران: انتشارات امیرکبیر
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷). الکافی. قم: نشر مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث
- ابن حیدر شعیری، محمد بن محمد (۱۳۷۱). جامع الاخبار. بیروت: نشر مؤسسه آل البيت (ع)
- گازپوروسکی، مارک (۱۳۹۸). کودتای ایرانی. ترجمه بهرنگ رجبی. قم: نشر چشمه
- توکلی، یعقوب (۱۳۷۶). خاطرات علی امینی. تهران: نشر گفتار
- ابن بابویه، محمد بن صادق (۱۳۸۵). علل الشرایع. نجف: نشر المكتبة الحیدریة
- اشرف، احمد؛ همایون کاتوزیان، محمد علی؛ آبراهامیان، پرواند (۱۳۹۷). جستارهایی درباره تئوری توطئه در ایران. ترجمه محمد ابراهیم فتاحی و لیلایی. تهران: نشر نی
- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام (۱۳۹۰). اسناد لانه جاسوسی (چاپ سوم). تهران: نشر مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی
- بازرگان، مهدی (۱۳۸۴). انقلاب ایران در دو حرکت. تهران: دفتر نهضت آزادی ایران
- دامغانی، محمود؛ بهداروندیانی، غلامرضا (۱۳۹۵). تاریخ نفوذ ایالات متحده آمریکا در ایران. تهران: نیکتا

- سالینجر، پیر (۱۳۶۲). گروگانگیری در ایران و مذاکرات محرمانه تهران، ترجمه جعفر ثقه‌الاسلامی. تهران: نوین

- کریستین، مری (۱۳۹۷). سیاست خارجی آمریکا و انقلاب ایران. ترجمه محمد شمس‌الدین عبدالهی نژاد. تهران: نشر ققنوس

- اسکندریان، گوهر (۱۳۹۷). روابط ایران و آمریکا. تهران: نشر ثالث

- فلاحت پیشه، حشمت‌الله (۱۳۹۴). لبخند و شمشیر در روابط ایران و آمریکا. تهران: نشر امیرکبیر

- ایزدی، حسین؛ شریفی، منصور (۱۳۹۵). سراب برجام. تهران: نشر شهید کاظمی

- قیصری، محمد شریف؛ جولا، امیر شعبان (۱۳۹۴). برجام دروازه نفوذ. تهران: نشر مرکز آموزشی پژوهشی کوثر

